

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسلهٔ جلسات برای امامت

فصل چهارم: معرفت‌نیل جماناز

مصطفی امینی خواه / سال ۱۴۰۲



سلسله جلسات برای امامت  
فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي.

اجمالاً در جلسات قبل بحثی که خدمت عزیزان و سروران داشتیم، این بود که امام راهبر است و امام ما کسی است که متناسب با راه ما تعیین می‌شود. انتخاب امام لزوماً به دست بالا گرفتن، اسم کسی را اعلام کردن، برای کسی شعار دادن، با کسی دست‌دان و یا بیعت کردن انجام نمی‌شود؛ بلکه بستگی به این دارد که چه راهی را انتخاب کرده‌ایم؟ چه کسی می‌تواند این راه را ببرد؟ و چه کسی این راه را رفته و به سرانجام رسیده؟ این‌ها تعیین می‌کند راهبر ما چه کسی باشد و امام ما چه فردی باشد.

### شیعه امام بودن

امام ما بر اساس اهداف ما تعیین می‌شود. عرض کردیم که امیرالمؤمنین، امام متقین است. متقین فقط با امیرالمؤمنین ارتباط برقرار می‌کنند و می‌توانند امت امیرالمؤمنین باشند. هر کسی که در حکومت امیرالمؤمنین بود، یا هر کسی که در حکومت امیرالمؤمنین مسئولیت داشت، لزوماً به



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

معنای این که جزء امت امیرالمؤمنین است و یا شیعه امیرالمؤمنین است، نیست. شاهدش هم نامه امیرالمؤمنین به عثمان بن حنیف است<sup>۲</sup> که اشاره کردیم. عثمان بن حنیف جزء اصحاب درجه یک امیرالمؤمنین است؛ همان شخص اهل بصره که در مجلس اشرافی شرکت کرد؛ اما وقتی جنگ جمل راه افتاد، هیچ رقم با آنان همکاری نکرد و حتی در خاطر هم هست که او را گرفتند و موهای صورتش را یکی یکی کردند؛ چون همراهی نکرد.<sup>۳</sup>

امیرالمؤمنین به عثمان بن حنیف نهیب می‌زنند و می‌فرمایند: مگر من امام تو نیستم؟ چه زمان دیدی من از این کارها بکنم؟ چه وقت دیدی علی سر چنین سفره‌هایی بنشیند؟ چشمت را بازکن! حضرت در آخر می‌فرماید: این‌ها را گفتم که «(لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ خَلَاصًا)»؛ گوش بدهی و از جهنم نجات پیدا کنی. امیرالمؤمنین تعارف ندارد؛ با عنوان و لقب و حزب و این‌ها تعارف ندارد. در مملکت ما خیلی به این طرف و آن طرف عناوین می‌چسبانیم؛ این اصلاح طلب است، او اصول‌گرا است، این حزب‌اللهی است، آن جبهه ملی است. به این‌ها نیست، به عنوان نیست. حتی قرآن می‌گوید خدا کسی را به عنوان این که من مسلمانم و او یهودی است و این نصرانی است، به بهشت و جهنم نمی‌برد.<sup>۴</sup> نمی‌گوید این چون گفته من مسلمانم ببریدش بهشت. او هم گفته من یهودی‌ام پس ببریدش جهنم. یهودی بودن که به اسم و عنوان و این‌ها نیست. مرام یک آدم مشخص می‌کند که یهودی هست یا نه؛ لذا ما در روایاتمان داریم که می‌فرماید: «(يَهُودِ هَذِهِ الْأُمَّةِ)».<sup>۵</sup>

نکاتی در این زمینه دارم و برگه خوبی هم ناظر بر مباحث دیشب عزیزان دادند. ان شاء الله گفتگو خواهیم کرد و خوشحالم. من دوست داشتم شب اول، بحث به چالش کشیده شود و الحمدلله شب دوم به چالش کشیده شد. خیلی نامه خوبی عزیزان دادند که نامه انتقادی هم هست؛ می‌خوانم و نکات آن را عرض می‌کنم. قاعدتاً باید چند دقیقه‌ای وقت را برای ما بیشتر در نظر بگیرند تا امشب بتوانیم مباحث را عرض کنیم.

۲. نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، نامه ۴۵.

۳. ثم هجموا على عثمان فأوثقوه رباطاً و عمدوا إلى لحيته و كان شيخاً كث اللحية فنتفوها حتى لم يبق منها شيء و لا شعرة واحدة. (شيخ مفيد، الجمل و النصر لسيده العترة في حرب البصرة، ص ۲۸۱).

۴. وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (سوره بقره، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲).

۵. أَفَلَا أَنْبَأُكُمْ بِمَنْ يَصَاهِبُهُمْ مِنْ يَهُودِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؟ (التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام،





### یهودیِ مسلمان!

روایات زیادی در این رابطه از پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) داریم. می‌فرمایند این‌ها که این ویژگی‌ها را دارند، ولو اینکه اظهار می‌کنند مسلمان‌اند، ولی یهودی‌های امت من هستند. این کلام پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است. مگر به اسم است؟ ما فلان طیف هستیم، مثلاً ما خادم حرم امام رضا (علیه السلام) هستیم؛ مگر خادم حرم به این است که یک کاغذ یا یک برگه‌ای به سینه‌ات بچسبانی؟! مگر کسی با این‌ها خادم می‌شود؟! مگر خدا گیر الفاظ و این چیزهاست؟! «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ وَإِنَّمَا يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَنِيَاتِكُمْ»<sup>۶</sup>. خدا که به این چیزها بند نیست؛ خدا که فریب نمی‌خورد. امت علی (علیه السلام) بودن و شیعه علی بودن به منطوق و مرام آدم است، به مسلک و فهم و هدف است. خط تو باید به علی (علیه السلام) بخورد، هدف تو باید به علی بخورد. امام متقین است و فقط کسی که با تقواست، خطش با علی یکی است. کسی که مسیرش مسیر بندگی است و می‌خواهد به سرمنزل جانان برسد، علی امام اوست. علی به سرمنزل جانان می‌رساند. علی به خدا می‌رساند. هدف علی (علیه السلام) خداست، غایتش خداست. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>۷</sup>؛ مال خدا هستیم و به سمت او می‌رویم، هدف ما اوست. «إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»<sup>۸</sup>. «إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ»<sup>۹</sup>. این‌ها آیات قرآن است. هدف، خداست. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعِبَادُونَ»<sup>۱۰</sup>.

بنده خیلی از مطالب را که در این جلسات نمی‌گویم، به خاطر این است که عزیزانی چه داخل جلسه و چه بیرون جلسه، بعضاً مراجعه می‌کنند و می‌گویند ما هزار ساعت از تو سخنرانی گوش کردیم؛ هفتصد ساعت؛ پانصد ساعت. خیلی مطالب را بنده نمی‌گویم تا برای این دوستان تکراری نشود؛ وگرنه خیلی از مباحث را ما مفصل‌جاهایی توضیح داده‌ایم؛ مانند داستان آن فرد نصرانی که رأس مبارک اباعبدالله (علیه السلام) را دید و شب تا صبح نگه داشت. با سر بریده امام تکلم کرد و توسط خود حضرت مسلمان شد که در مقاتل ما قید شده است.<sup>۱۱</sup> یا حکایت فرد نصرانی که در مجلس یزید

۶. شعیری، جامع الأخبار، ص ۶۹.

۷. الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (سوره بقره، آیه ۱۵۶).

۸. صِرْطُ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (سوره شوری، آیه ۵۳).

۹. إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (سوره هود، آیه ۴).

۱۰. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۱۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۶۰.



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

اعتراض کرد؛ فرستاده روم بود و برحسب ظاهر نصرانی است. خودش نمی دانست مسلمان است. یزید گفت: سر این شخص را ببرید، اگر برگردد مملکت خودش آبرو برای ما نمی گذارد. حکایت این نصرانی را مرحوم سید بن طاووس در لهوف نقل کرده است.<sup>۱۲</sup> یهودی گفت: عجب! من دیشب خواب پیغمبر شما را دیدم که به من فرمود فردا شب مهمان من هستی؛ من نفهمیدم این خواب یعنی چی؟ این تا حالا مسلمان بوده و خبر نداشته است؛ همان طور که خیلی ها هم یهودی بودند و خبر نداشتند.

### محوریت قرآن و عترت

مگر هر کسی عمامه گذاشت و ریش داشت و گفت: من اصلاح طلب هستم یا اصول گرا هستم یا حزب اللهی هستم و یار امام هستم، نماینده رهبری هستم، یا در دفتر رهبری هستم، حزب اللهی ست؟ بعضی ها فکر می کنند ما عاشق امام خمینی هستیم، به دلیل این که او امام خمینی است. ما مگر با امام خمینی کار داریم؟ مگر روز قیامت از ما می پرسند نظرت راجع به امام خمینی چیست؟ قرآن و عترت محور است و امام خمینی همچون در این دو ذوب بود تا آخر این مسیر را رفت و نشان داد و اثبات کرد؛ پس امام خمینی روی چشم ما جا دارند. خود حضرت امام فرمود: «اگر دیدند من یک وقتی پایم را کنار گذاشتم از آن رویه ای که خود این ملت دارد و این سیل خروشان دارد، من بخواهم به خلاف این سیل شنا بکنم، من را از بین می برند؛ هر کس باشد این طور است.»<sup>۱۳</sup>؛ این جمله متعلق به خود امام است و فیلمش را هم بارها تلویزیون پخش کرده است.

مگر ما نوکر این و آن و عمامه و کراوات هستیم. امام فرمود: مگر ما از عمامه حمایت می کنیم؟<sup>۱۴</sup>. این جمله خود امام است که فرمود: «ما همه سرباز خدا هستیم ان شاء الله. نه تو سرباز منی، نه من سرباز تو.»<sup>۱۵</sup>. رهبر انقلاب فرمودند: جانم فدای رهبر نداریم. مگر رهبر کیست؟ جانم فدای اسلام.<sup>۱۶</sup> خود رهبر هم جانش فدای اسلام. مگر ما طرف شخصیم؟ بله یک خانمی، همسر یکی از مسئولین

۱۲. اَعْلَمُ أَنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ نَبِيِّكُمْ فِي الْمَنَامِ يَقُولُ يَا نَصْرَانِي أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَتَعَجَّبْتُ مِنْ كَلَامِهِ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (سید بن طاووس، لهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۹۰).

۱۳. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۴۵.

۱۴. قضیه این نیست که من بگویم هر که عمامه سرش هست، این مورد تأیید است. خیر، من از بسیاریشان متنفرم... (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۵۹)

۱۵. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳۵.

۱۶. [شعار حصار: رهبر اگر فرمان دهد/ جان را فدایش میکنم] خب، شما که میخواهید فدا کنید، چرا فدای اسلام نکنید؟ [چرا] فدای رهبر، رهبر مگر کیست؟ فدای اسلام، فدای این راه، فدای اهداف [بکنید]. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر، ۳۰ شهریور ۱۳۹۵)



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

مملکت گفت: «بانوی اول این مملکت، همسر رهبر انقلاب هستند.»<sup>۱۷</sup>؛ شاید منظوری هم نداشت و یا شاید چیز دیگری در ذهنش بوده، ولی این حرف غلط است. بانوی اول یعنی چه؟ شخصیت اول هم که می‌گوییم رهبری است، از جهت ساختار سیاسی و اجتماعی است؛ و الا معلوم نیست در پیشگاه خداوند چه کسی نفر اول باشد. همسر رهبری که دیگر در ساختار اداری و دیوانسالاری اصلاً کاره‌ای نیست که بگوییم بانوی اول؛ یعنی چی بانوی اول مملکت؟ این‌ها حرف‌های غلطی است؛ از هر کسی هم که گفته بشود. مگر ما طرف این‌وآن هستیم؟ معیار ما قرآن است.

### قرائت نامه یکی از حضار و پاسخ به شبهات

این‌ها یک چیزهایی را گفته‌اند که من باید متن آن را بخوانم. گفته‌اند شما بیشتر این طرفی را زدی. باید بخوانم؛ چون کسی که نوشته، خیلی قشنگ نوشته است. کامل بخوانم که حق مطلب ادا بشود. گفته‌اند:

«به نام خداوند بخشایشگر مهربان، عرض سلام خدمت شما. قبلاً از این‌که عرایض را به اطلاع شما می‌رسانم پوزش می‌طلبم.»

پوزش نیاز ندارد و ما افتخار می‌کنیم. این‌ها محبت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) و تربیت اهل بیت (علیهم‌السلام) است که مخاطب ما وقتی انتقاد دارد، این‌قدر فرهیخته است و باشعور است و شهامت دارد و حرف می‌زند و می‌نویسد. این خیلی افتخار است و این مرام اهل بیت (علیهم‌السلام) است. «پنجشنبه شب در سخنرانی خود که درباره زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بود، اعلام نمودید نمی‌خواهید وارد بحث سیاست شوید (شب اول این را گفتیم) ولی وارد مباحث شدید (جمعه جلسه دوم وارد شدیم)؛ گله‌مندی از تعدادی مسئولین، کم‌کاری، گرانی، اقتصاد ضعیف و بی‌حساب‌و‌کتاب، رانت، اختلاس، مافیای خودرو، چای و غیره.»

منظورشان این است که از این‌ها در صحبت‌هایتان گله کردید.

### بخش اول نامه: شبهه عدم انتقاد از طیف اصول‌گرا

«از زندگی امام خمینی و رهبر معظم انقلاب و فرمانده سپاه گفتید که هیچ نقطه سیاهی ندارند.» فرمانده سپاه را من نگفتم که هیچ نقطه سیاهی ندارند، در مورد رهبری و امام هم نگفتم هیچ نقطه سیاهی ندارند. گفتم نقطه سیاه عیانی که بخواید دشمن دست بگیرد، پیدا نمی‌شود. خودشان اقرار کرده‌اند؛ این عین جملات آقای مهاجرانی است که در مورد رهبر انقلاب گفت: «من

۱۷. خبرگزاری ایرنا، «جمیله علم‌الهدی: تهاجم فرهنگی توسط رسانه‌ها تهدیدی برای کشور است»، تاریخ درج مطلب:

۸ مهر ۱۴۰۲، تاریخ بازدید: ۱۶ اسفند ۱۴۰۲. (<https://irna.ir/xjNz8s>)





سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

آیت‌الله خامنه‌ای را خوب می‌شناسم و می‌دانم که در تمام کارنامه اقتصادی خود و اقوامش، نقطه سیاه که هیچ، حتی یک نقطه خاکستری هم نمی‌توان یافت.<sup>۱۸</sup> این‌ها چیزهایی است که خودشان بعداً اقرار کرده‌اند. ((که البته بحث امام و رهبری جدا می‌باشد.))

نه بحث امام و رهبری هم جدا نیست. همه یکی هستیم و اتفاقاً جایگاه امام و رهبری از همه خطرناک‌تر است. اگر یک ذره انحراف در این دو نفر رخ بدهد، همه به باد می‌رویم.

((طبق تحقیقات، شما هیچ سخنی را بدون سند و مدرک بیان نمی‌کنید، - خیلی خوب و ارزشمند هم می‌باشد و اصل هم همین است؛ چون سخنان ائمه (علیهم‌السلام) و پیامبران و روایات، در مجالس طبق سند بیان می‌شود- ولی شما در بیان انتقادات فقط اعتراض داشتید به رؤسای جمهوری که طیف اصلاحات، آن‌ها را به دنبال دارند.))

نه بنده به کرات از آقای رئیسی هم انتقاد داشته‌ام. این را هم نمی‌خواهم بگویم که نظر شما را جلب کنم. مسئولیت شرعی خودمان را باید عمل کنیم و صوت‌های بنده هم موجود است. از خیلی سال پیش و همه‌اش هم هست و جای کتمان هم ندارد. در زمان آقای احمدی‌نژاد هم فایل‌های صوتی من موجود است و انتقادات شدید به ایشان داشتم که بعضی از اساتید سال ۱۳۹۰ یا قبل از آن گفتند این‌ها می‌خواهد منتشر بشود و ممکن است تضعیف رئیس‌جمهور باشد. آن موقع بنده خیلی تند نسبت به رئیسی قوه قضائیه در آن زمان - در بحث سیره امام کاظم (علیه‌السلام) که فایلش هم در اینترنت موجود است<sup>۱۹</sup> - چیزی را در سیره امام کاظم (علیه‌السلام) عرض کردم و گفتم این‌ها شیعه امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) نیستند. خیلی صریح گفتم و یکی از اساتید گفت این جوروی نگو، برای خودت خطر دارد. نمی‌خواهم افتخار کنم و بگویم ما فراجناحی هستیم، نوکر دین و نوکر اهل بیت (علیهم‌السلام) و قرآن هستیم و هرکس هم هر جا اشتباه کند تعارفی با آن‌ها نداریم. بارها را این گفته‌ام و همین اخیراً هم نسبت به یکی از وزرای آقای رئیسی چندین بار هم عرض کردم؛ یکی دو هفته پیش در مازندران سخنرانی داشتم. خیلی تند در مورد یکی از وزرا صحبت کردم. بنده اصلاً اسم نمی‌آورم و الآن

۱۸. خیرگزاری رجانوز، «پیام عناصر ضدانقلاب از مهاجرانی و سروش تا بنی‌صدر و داماد شاه: جمهوری اسلامی هیچ جایگزینی ندارد؛ اگر رضایه‌لوی و رجوی آلترناتیو هستند ما نیستیم!»، تاریخ درج مطلب: ۱۱ اسفند ۱۳۹۷، تاریخ بازدید: ۱۶ اسفند ۱۴۰۲. (<http://rajanews.com/node/۳۰۸۲۱۶>)

۱۹. پایگاه اینترنتی مدرسه تعالی، «سیاست در سیره امام کاظم علیه‌السلام»، تاریخ بازدید: ۱۶ اسفند ۱۴۰۲.

<https://taalei-edu.ir/workshop/۱۶۰/lesson/۱۵۰۳/%D۸%B۳%DB%۸C%D۸%AF%D۸%B۳%D۸%AA-%D۸%AF%D۸%B۱-%D۸%B۳%DB%۸C%D۸%B۱%D۹%۸۷-%D۸%AF%D۹%۸۵%D۸%AF%D۹%۸۵-%DA%A۹%D۸%AF%D۸%B۸%D۹%۸۵-%D۸%B۹%D۹%۸۴%DB%۸C%D۹%۸۷-%D۸%AF%D۹%۸۴%D۸%B۳%D۹%۸۴%D۸%AF%D۹%۸۵>



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

هم شما خودتان تشخیص دادید، من کار آن‌ها و حرف آن‌ها را می‌گویم. ظاهراً خیلی هم اصول‌گرا است، ولی منطق این آدم مشکل دارد. بخش گردشگری و این‌ها از این آدم استفاده می‌کنند؛ نمی‌دانم از جهت اجرایی و فنی چقدر توان دارد، ولی خیلی از حرف‌هایی هم که می‌زند اشتباه است. ده سال هم رئیس صداوسیما بوده است. بنده یک بار عرض کردم و او ایلا به آن صداوسیمایی که شما ده سال رئیس آن بودید. نسبت به رؤسای صداوسیما هم بارها انتقاد داشتیم. به دوستان شبکه افق و مسئولین شبکه و خیلی جاهای مختلف انتقاداتی داشتم؛ اصلاً من را به دلیل همین انتقادهای می‌شناسند و ما را دعوت می‌کنند برای همین انتقادهای و می‌گویند فلان چیز را نقد کن، این را بگو؛ و گاهی هم خیلی تند برخورد می‌کنم. بعضی از عزیزان هم یک جوری می‌شوند. می‌گویم شما فکر می‌کنید و بعد کار می‌کنید یا همین طوری برای خودتان یک کارهایی می‌کنید؟ چیست بعضی از این کارها؟! البته هزاران انتقاد هم به خود من وارد است و مرحباً به آن عزیزی که انتقاد کرده از من.

### بخش دوم نامه: شبهه نگاه یک‌جانبه

«شما از روحانی اسم بردید که فرمود ما نیامدیم که شما را به بهشت ببریم و یا هاشمی رفسنجانی که در روز تاسوعا مشغول اسکی بازی بوده و اینکه فرمودید پسر محمدرضا پهلوی با هلی‌کوپتر به مدرسه می‌رفته که خود جای سؤال دارد»

دیشب هم دوستان اعتراض داشتند و عرض کردم مستند این را خدمت شما می‌آورم. هر عزیزی سؤال یا انتقادی نسبت به هر قسمت از صحبت‌های من داشته باشند، سند آن را می‌آورم. این هم چون در خود جلسه مهمه شد و عزیزان اعتراض جدی داشتند، فیلم آن را آوردم. امکانات نداریم فیلم را پخش کنیم، ولی صوت آن را برای شما پخش می‌کنم که قضیه چی بوده است.

«اما شما که استاد دانشگاه هستید و با قشر مهمی سرو کار دارید که برای جامعه مفیدند، [پاسخ بدهید که] آیا طیف اصول‌گرا هیچ خطایی نداشته و ندارند؟»

هزارتا را خود ما بارها گفته‌ایم؛ فردا شب ان‌شاءالله عرض خواهم کرد که دسته‌بندی‌های جناحی از زمان خلیفه دوم در امت اسلام وارد شد. من فردا شب این را مفصل خدمت شما عرض می‌کنم. او تقسیم کرد و گفت این‌ها قریشی هستند، این‌ها انصاری‌اند؛ یعنی امت اسلام تا زمان خلیفه دوم دودستگی به خودش ندیده بود. بعد همین طور آمد جلو و شد اصول‌گرا و اصلاح‌طلب و غیره؛ ما این چیزها را نداریم، یک اسلام داریم و قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام). یا با این سه‌تا هستند یا نیستند. حالا یکی شل‌تر و یکی سفت‌تر است؛ یکی بیشتر بعضی چیزها را قبول دارد و یکی کمتر قبول دارد. دسته‌بندی همین است. ما سال‌ها با مرحوم آقای دعایی، رئیس روزنامه اطلاعات، همسایه بودیم. واقعاً در زندگی ایشان بودیم و در خانه ایشان با بچه‌هایشان بازی می‌کردیم. واقعاً یک فرد ساده‌زیست بودند و منزل ایشان واقعاً یک منزل طلبگی بود؛ که ما وقتی منزل ایشان می‌رفتیم لذت می‌بردیم از





سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

زی طلبگی. یک زندگی خاکی و ساده داشتند. همسر ایشان هم اصالتاً عراقی و اهل نجف بودند. یک زندگی علمایی داشتند. اصلاح طلب بود و تا آخر هم اصلاح طلب بود. رهبر انقلاب هم نماز میت ایشان را خواندند و سه بار هم فرمودند: «انا لا نَعْلَمُ مِنْهُ الاَّ خيراً». اصول‌گرا هم الی‌ماشاءالله داریم که بنده پشت سر آن‌ها نماز نمی‌خوانم. این دسته‌بندی‌های این شکلی را ما اصلاً قبول نداریم.

«آیا در مناظره آقای احمدی نژاد با آقای کروبی که گفتند شما مبلغ سیصد میلیون تومان از جزایری گرفتید و آن موقع هیچ پستی هم نداشتید و نماینده رهبری هم نبودید، آقای کروبی گفت ما آخوندها هر پولی بدهند می‌گیریم؟»

البته به نظرم آقای کروبی هم این جور نگفت؛ گفت: «من نماینده امام بودم و دستخط امام داشتم و خیلی افراد به مناسبت‌هایی به من پول می‌دادند و هر کس این جور به من پول می‌داد می‌گرفتم.»<sup>۲۰</sup>

این حرف خود آقای کروبی بود و الآن هم که کسی به آخوندها پول نمی‌دهد.

«آیا کروبی، هاشمی، رهبری، شهید بهشتی و غیره، یاران امام نبودند؟ زندان ساواک نبودند؟ آیا در رابطه با نخست‌وزیر پهلوی، آقای هویدا و خودکار بیک که اشاره کردید، یعنی دروغ بوده؟ آیا بعد از انقلاب دستگیر و اعدام نشد؟»

قبل از سقوط شاه، دو سه ماه قبل از انقلاب، شاه با انگیزه اینکه فشار را از روی خودش بردارد و بیندازد گردن هویدا، او را به دادگاه معرفی کرد که متصل شد به انقلاب و رفت دادگاه انقلاب<sup>۲۱</sup>؛ بنده هم اطلاع دقیقی ندارم ولی آن میزان که گزارش جریانات رسیده است، به نظر می‌رسد که آقای خلخالی در اعدام آقای هویدا عجله کرد. الآن نمی‌خواهم وارد این جریان بشوم و انتقاد جدی به ایشان هم وارد است.

«آیا بعد از انقلاب هویدا اعدام نشد؟ چگونه این همه اختلاس در نظام مقدس جمهوری اسلامی انجام می‌شود؟ چه کسی باید در برابر تجمع بازنشستگان، فرهنگیان، پرستاران و غیره، جوابگو باشد؟»

همه کسانی که نقش دارند، به میزان نقش و سهمشان، سهم هر کس معین و مشخص است و بنده هم مطلب زیاد دارم برای پاسخ؛ ولی نمی‌دانم وقت چقدر اجازه می‌دهد. مسائل مهم و خوبی است و هدف ما از آمدن به این جلسات همین است. الآن بنده همسر را با پنج بچه قد و نیم‌قد زیر

۲۰. خبرگزاری ایرنا، «مناظره آقایان احمدی نژاد و کروبی»، تاریخ درج مطلب: ۱۷ خرداد ۱۳۸۸، تاریخ بازدید: ۱۶ اسفند

۱۴۰۲. (<https://irna.ir/x3hd9K>)

۲۱. قدیانی، عباس، فرهنگ جامع تاریخ ایران، ج ۲، ص ۸۵۵.



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

دوازده سال در شهر غریب رها کرده‌ام، آمده‌ام خدمت شما در ایام فاطمیه که با هم حرف بزنیم. چرا؟ برای اینکه به این کار به چشم یک جهاد نگاه می‌کنیم. ما در یک جبهه هستیم و آمده‌ایم اینجا با هم گفتگو کنیم و از این فرصت استفاده کنیم و معارف دین را با هم مطرح کنیم. ما آمده‌ایم برای این کار. ما هیچ وقت به منبر به چشم اقتصادی نگاه نکردیم، بعضی‌ها می‌گفتند اصل این است که شما بیست دقیقه منبر بروید، ده جا منبر بروید. من گفتم نه من یک جا منبر می‌روم و یک ساعت هم منبر می‌روم؛ چون محتوا برای من مهم است. آدم می‌تواند مطالعه کند و بگذارد داخل جیبش و پنجاهتا منبر هم آن‌ها را تکرار کند. نگاه من به منبر اقتصادی نیست و معمولاً هم کم سخنرانی می‌کنم. امسال فشار به من آمده که در روز، سه چهار تا سخنرانی برای من در نظر گرفته‌اند. در جاهای مختلف تهران است. معمولاً یکی و نهایتاً دو جلسه سخنرانی خواهم داشت و بیشتر هم متمرکز می‌شوم روی مطالعه آن بحث؛ بحثی باشد که روی آن کار شده باشد و سند و محتوا داشته باشد.

«آن مداح و یا سخنرانی که برای مجلس ائمه (علیهم‌السلام) یا شهید مدافع حرم نرخ تعیین می‌کند، [حکمش] چیست؟»

البته اصل قضیه وجهه قشنگی ندارد و قابل دفاع نیست، ولی سطح بعضی مسائل را نباید هم اندازه با هم گرفت. بدی هرکاری با بدی کار دیگریکسان نیست. این‌ها را در یک قالب و یکسان با هم نبینید. مثلاً اگر دکمه پیراهن من باز باشد هنگام سخنرانی، کار زشتی است؛ یا جوراب نداشته باشم؛ یا با عمامه کثیف اینجا نشسته باشم؛ این‌ها خوب نیست، ولی معادل این نیست که اینجا مثلاً به کسی فحش ناموس بدهم. بدی داریم تا بدی. این کار هم کار بدی است، ولی معلوم نیست حرام باشد. یک نفر ممکن است بگوید من دارم می‌آیم و وقت می‌گذارم. من خبر دارم یکی از مداحان معروف، شنیده‌ام که تاجر است و از اول هم در کار تجارت بوده، هر جا دعوت می‌کنند نمی‌رود و می‌گوید من اگر یک روز کار خودم را تعطیل کنم، چند صد میلیون ضرر می‌کنم. بعضی‌ها می‌گویند ما جبران می‌کنیم. بالاخره باید بابت رفت و آمد و مطلب آماده کردن و این‌ها هم در نظر گرفته شود و ابعاد دیگری غیر از مداحی را هم باید نگاه کرد. البته من در تمام عمرم نه نرخ تعیین کرده‌ام و نه قبل از جلسه و نه بعد از جلسه و هیچ وقت چیزی نگفته‌ام و کاری به این مسائل نداشته‌ام. بعضی جاها هم آن‌ها خیلی به این چیزها کار نداشته‌اند.

«زندگی اشرافی مسئولان، وزرا و نمایندگان که اسپانسر خیلی از شرکت‌ها و تیم‌های ورزشی هستند، [حکمش] چیست؟ من از منبری‌ها شنیده‌ام که در زمان خلافت حضرت علی (علیه‌السلام) طلحه و زبیر آمدند و سهم خواستند و مولا با صراحت آن‌ها را رد نمود؛ و در آخر یاد آن شعر افتادم که شاعرش فرمود: خلخال اگر بَرند یهودیه را، خطاست / اما سیلی زدن به صورت زهرا (سلام‌الله‌علیها) خطا نبود.»



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

خدا حفظتان کند که این قدر با وجنات، کمالات و فرهیختگی مطلب را نوشته بودید. در مورد قضیه هلی کوپتر عرض کنم، یک مستندی را سال ۱۹۷۷ میلادی که می‌شود سال ۱۳۵۵، دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکایی‌ها ساختند و عنوانش هم هست: شهبانو، ملکه ایران. این در مورد فرح است. هم سایت شخصی خانم فرح پهلوی و هم صفحه یوتیوب ایشان، در روز ۱۰ اکتبر سال ۲۰۱۷ که شش سال پیش است، این مستند را بارگذاری کرده است. فیلم کامل این را هم بنده دارم اگر خواستید. نزدیک یک ساعت است. [استاد دقیقه ۴۵ مستند را به صورت صوتی پخش کردند].

این خوب شد که دوستان دیشب اعتراض کردند؛ چون دیشب من گفتم فرزندان شاه با هلی کوپتر می‌رفتند، ولی اینجا دقیقه ۴۵ مستند، می‌گوید هرکدامشان یک هلی کوپتر جدا داشتند که با آن می‌رفتند مدرسه و می‌گوید به دلیل مسائل امنیتی هر کدام هلی کوپتر مخصوص خودشان را دارند که این محافظ باشد در برابر حوادث غیرمترقبه.

انگلیسی آن را هم شنیدید. این مستند بیان می‌کند شاه با فرح در تربیت اختلاف نظر دارند. فرح خیلی نرم و لطیف برخورد می‌کند.

### همه حرف ما یک کلمه است

نکات در متنی که عزیزان نوشته بودند نکات خوبی است و این‌ها قابل بحث است. همه حرف ما یک کلمه است، هرچه مشکل ما داریم به دلیل بی‌تقوایی است؛ یعنی کسی که این عالم را آفرید و از زیر و زبر همه چیز خبر داشت، در برابر خلقتش که اصطلاحاً می‌گویند تکوین، یک قوانینی قرارداد که به آن می‌گویند تشریح؛ تکوین و تشریح. قانون را منسجم و منضبط و مرتبط با همین مدلی که آفریده، قرار داده است. اگر این‌ها رعایت بشود هیچ مشکلی پیش نمی‌آید. همه کائنات از آن قانونی که خدا وضع کرده است دارند تبعیت می‌کنند و برای همین هیچ مشکلی هم پیش نمی‌آید. چرا ماه و خورشید هیچ وقت به چالش نمی‌خورند و در کار همدیگر دخالت نمی‌کنند و نظم آن‌ها هیچ وقت به هم نمی‌خورد؟ چون خداوند متعال قواعدی قرار داده و این‌ها طبق همان دستور دارند می‌روند. یک موجود هست در این عالم که طبق دستور عمل نمی‌کند. آن هم انسان است. روی قاعده نمی‌رود. اگر این هم روی قاعده می‌رفت همه چیز حل بود.

اگر با قاعده با هم زندگی کنیم، با قاعده با هم حرف بزنیم مشکل پدید نمی‌آید. هر جا هر فسادی هست، «الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبَلَدِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ»<sup>۲۲</sup>، به خاطر یک طغیان است. یک نفر روی قاعده نیامده جلو. اگر همه روی قاعده بروند جلو، مشکل پیش نمی‌آید. امیرالمؤمنین (علیه السلام) و

۲۲. سوره فجر، آیات ۱۱ و ۱۲.





سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

حضرت زهرا (سلام الله علیها) روی قاعده زندگی کردند. ۹ سال زندگی کردند؛ ولی یک سرسوزن چالش با هم نداشتند. به قول حضرت امام اگر همه انبیا داخل یک روستا جمع بشوند و زندگی کنند یک سرسوزن به اختلاف نمی خورند<sup>۲۳</sup>؛ چون هرکس با قاعده خودش دارد زندگی می کند و براساس دستور خدا زندگی می کند. این می شود تقوا. تقوا چی نیاز دارد؟ باور بندگی. کی تقوا دارد؟ تقوا یعنی خداداری؛ یعنی اطاعت و به خدا سپردن خود و زندگی، دل سپردن، گوش سپردن. چه کسی این کارها را می کند؟ کسی که فهمیده بنده است، فهمیده همه چیز مال خداست و باید براساس گفته های او عمل کند. همه مشکلات، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، زمینی و آسمانی ما و اهل عالم، محصول گناه است. محصول بی تقوایی است؛ یا کوچک است یا بزرگ، یا فردی است یا اجتماعی. این همه حرف ماست و تنها راه هم این است که برگردیم به خود دین، برگردیم به خود قرآن؛ این دستور حضرت زهرا (سلام الله علیها) است. فرمود: این قدر چشمتان به این و آن نباشد که این چی می گوید و او چه می گوید.<sup>۲۴</sup>

خیلی عجیب است. اینها بغض عجیبی از امیرالمؤمنین داشتند. مظلومیت امیرالمؤمنین خیلی عجیب است؛ یعنی پای علی (علیه السلام) اگر در هر قضیه ای وسط می آمد، سریع واکنش ها شروع می شد. به یک چیزهایی از امیرالمؤمنین گیر می دادند [که عجیب بود]؛ عمدتاً هم به خاطر حسادت بود. عمدتاً به خاطر حسادت بود. به علم او، جایگاه او و فضائل او، حساس بودند. هرچی را علی (علیه السلام) روی آن دست می گذاشت، اینها یک چیزی می گفتند. در روایت داریم که حضرت علی (علیه السلام) در نماز سوره قل هو الله را زیاد می خواند؛ گیر دادند که چرا تو فقط قل هو الله را می خوانی، مگر ما سوره دیگر نداریم؟<sup>۲۵</sup> یعنی واقعاً هیچ موضوع دیگری نبود که اینها گیر بدهند؟!

### بی تقوایی، راز مظلومیت اولیاء خدا

این راز مظلومیت اولیاء خداست و چه کسی می فهمد که فایده علی (علیه السلام) برای جامعه چیست؟ کسی که اهل تقواست و می خواهد به خدا برسد. او ارزش علی (علیه السلام) را می داند - دیشب عرض کردم - وگرنه دیگران هم با ضرب شمشیر و سرنیزه مملکت را خوب اداره کردند. خلیفه

۲۳. کراراً عرض کردم که اگر انبیا در یک مکان جمع شوند با هم اختلاف پیدا نمی کنند، زیرا مقصد و هدف و مقصود،

یکی و الهی است. (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۳۵)

۲۴. أَتْبَاعُهُ مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ بِهِ تَنَالُ حُجَّجَ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةَ وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةَ وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةَ وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَةَ وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةَ وَ فُضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةَ وَ رُخْصَةُ الْمُؤَهَّبَةَ وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةَ. (شیخ طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج،

ج ۱، ص ۹۹)

۲۵. فَقَالَ النَّبِيُّ ص لِبَعْضِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فِي الْجَيْشِ كَيْفَ رَأَيْتُمْ أَمِيرَكُمْ قَالُوا لَمْ نُنْكَرْ مِنْهُ شَيْئاً إِلَّا أَنَّهُ لَمْ يُوِّم بِنَا فِي صَلَاةٍ إِلَّا قَرَأَ بِنَا فِيهَا بِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ... (شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۱۶)



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

دوم وضع اقتصادی را خیلی خوب کرد. زمان خلیفه سوم هم خوب بود. مشکل خلیفه سوم این بود که بریزوپاش و دور و بری‌ها و بخور بخورها زیاد بود، وگرنه آن زمان هم وضع اقتصادی خوب بود. خلیفه اول و دوم مراقبتشان در این زمینه بیشتر بود و خیلی به این واسطه چیزی گیرشان نیامد. اینها هم اعتراضشان این نبود که فرهنگ ما عوض شد.

اینها مفصل است و جلسات متعددی من باید خدمت شما عرض کنم و از روی منابع اهل سنت بخوانم. در زمان حکومت خلفا رسماً بت می‌فروختند که ثروت مملکت افزایش پیدا کند.<sup>۲۶</sup> تجارت و صادرات بت داشتیم. بت می‌ساختند و به روم می‌فروختند. می‌گفتند این بت است، می‌گفت پولش مهم است می‌زنیم به یک زخمی. این چی باقی می‌گذارد از فرهنگ مردم؟ امام حسین (علیه‌السلام) چی فرمود؟ گفت: ای شارب الخمر! ملعن الفسق!<sup>۲۷</sup> یزید عرق خور است و فسق علنی می‌کند و در مقام عمل اصلاً خدا و پیغمبر را قبول ندارد. «مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْخَاسِئِ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ»<sup>۲۸</sup> امام کسی است که همه وجودش حبس باشد در دست قدرت خدا. این می‌تواند مردم را به خدا برساند. یک سرسوزن انحراف بیاید، صد قدم جلوتر می‌شود چند کیلومتر! بنده دیشب از بزرگراه صدر که می‌آمدم، باید می‌آمدم خروجی سمت چیدر؛ مسیریاب را اشتباه دیدم. خیابان‌های تهران هم که به هم چسبیده است! اشتباه رفتم بالا و گفتم یک بریدگی پیدا می‌شود دور می‌زنم. تا مدرس رفتم! خروجی هم نداشت. با خودم گفتم گاهی یک اشتباه، نیم ساعت راه را دور می‌کند. اینها مال دنیا است و انحرافش هم کوچک است، یک نفر در مقام رئیس و حاکم برای چند میلیون نفر یک سیاست‌گذاری می‌کند و این برای چند صدسال می‌ماند. اگر اشتباه باشد چی؟ خیلی کار خطرناکی است. خیلی سخت است. همه وجودش باید در اختیار این معارف و قدرت خداوند متعال باشد. همان تعبیری که حضرت علی (علیه‌السلام) به مالک فرمود. گفت: تو همه چشمت به خدا

۲۶. عن أبي وائل قال: كنت مع مسروق بالسلسلة، فمرت به سفائن فيها أصنام من صُفر تماثيل الرجال، فسألهم عنها، فقالوا: بعث بها معاوية إلى أرض السند والهند تباع له. فقال مسروق: لو أعلم أنهم يقتلونني لغرقتها، ولكنني أخاف أن يعذبوني ثم يفتنونني، والله! ما أدرى أي الرجلين معاوية؟ أرجل قد يئس من الآخرة، فهو يتمتع من الدنيا أم رجل زين له سوء عمله؟ (بلاذري، أنساب الأشراف، ج ۵، ص ۱۳۷)

۲۷. يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعْلِنٌ بِالْفِسْقِ... (سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۳)

۲۸. شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۹.



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

باشد. همه نگاهت به این باشد که ببینی خدا چه می‌خواهد و او را بالای سر خودت ببینی. مشت او را بالای سر خودت ببین و از او بترس.<sup>۲۹</sup>

یک چیز مشکلات را حل می‌کند. دیشب هم عرض کردم؛ این که ما مرتب پلیس اضافه کنیم و جریمه را بالا ببریم، چاره کار نیست؛ البته این کار هم لازم است؛ اما وقتی طرف می‌گوید فلان بخش ماشینت را تعمیر کردم؛ ولی فلان قطعه را برداشتم که این قدر هم ارزش دارد و معمولاً همه برمی‌دارند، ما با یک چنین جامعه‌ای چه کار باید بکنیم؟ این مشکل از کجاست؟ البته مسئولین قطعاً بی نقش نیستند، ولی این قدر سطح قضیه را نیاوریم پایین که تمام دغدغه زندگی ما بشود اختلاس فلان فروشنده چای. من این وزیری که از دولت آقای رئیسی گفتم، برحسب ظاهر دزدی ندارد، گرگی ندارد، آقازاده ندارد و آدم پاک‌دست و سالمی است، ولی مشکل فکری دارد؛ مشکل فکری از همه بدتر است. مشکل اعتقادی از مشکل اقتصادی بدتر است. یک وقت ممکن است کسی جیب شما را بزند، یک وقت ممکن است دل شما را بزند. دل و فکر تو را می‌دزد.

### انحراف از عبودیت

انحراف از همه چیز خطرناک‌تر است. یک سرسوزن انحراف، چند قدم که جلوتر بروید چند کیلومتر فاصله ایجاد می‌کند. اینها مسئله ماست و نکته اصلی قضیه است که باید به آن توجه کنیم. انحراف از چی هست؟ از عبودیت؛ هرکس هر حرفی بزند غیر از بندگی خدا. بله محیط‌زیست ما باید خوب باشد، اقتصاد ما باید خوب باشد، بازنشستگان، پرستاران و همه اقشار جامعه، وضعیتشان باید خوب باشد؛ متأسفانه اختلاس، دزدی و همه چیز در جامعه هست، زیاد هم هست، ولی راه درمانش چی است؟ باید برگردیم به قرآن. انقلاب از روز اول، عَلَمَش را بر این مبنا برداشتند که ما می‌خواهیم با قرآن زندگی کنیم. حضرت امام هم در سیره و زندگی‌اش این را نشان داده و همه هم اقرار کردند؛ دوست و دشمن. سال گذشته وقتی می‌خواستند با نظام جمهوری اسلامی برخورد کنند، قرآن آتش می‌زدند. این کار، زشت بود، ولی یک معنایی دارد؛ معنایش این است: تا این کتاب هست، اینها هم هستند. این خیلی چیز خوبی است؛ معنای خوبی هم دارد و راه، همین است. اگر چهار قدم سمت قرآن رفتیم، چهارتا مشکل ما حل می‌شود. ده تا مشکل دیگرمان هم اگر بخواهیم حل بشود، باید ده قدم برویم سمت قرآن. راه دیگری ندارد. خط دیگری ندارد.

۲۹. أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِثَارِ طَاعَتِهِ وَاتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَسُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَلَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَإِضَاعَتِهَا... (نهج البلاغه، تصحيح صبحی صالح، نامه ۵۳)





سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

از پهلوی و قضیه هلی کوپترش گفتم؛ شما دیدید این، سال گذشته رفت و با نتانیاهو نشست و رفیق گرمابه و گلستان او شد.<sup>۳۰</sup> کیپا<sup>۳۱</sup> به سر خودش بست و رفت پشت دیوار ندبه.<sup>۳۲</sup> اینها اینجوری هستند. قبلاً هم همین بودند و الان هم همین هستند. اینکه جلوی چشم ما بود و قضیه هلی کوپتر هم نیست که انکارش دنی باشد. نتانیاهو همان کسی است که قصاب غزه است و ده هزار زن و کودک یا بیشتر را با هم قتل عام کرده است. اینها با هم رفیق هستند. ما راه برگشت که نداریم تا سمت اینها برگردیم؛ مسیر همین است. در این مسیر هم باید پالایش بکنیم. آخوند و غیر آخوند ندارد. سید و غیر سید هم ندارد. پاسدار و غیر پاسدار هم ندارد. هرکس مرامش و منطقش با اهل بیت (علیهم السلام) نیست و با قرآن نیست، کنار می رود و حذف می شود. ما چه بخواهیم چه نخواهیم، حذف می شود. وظیفه ما این است که آنها را حذف کنیم. اول اصلاح کنیم و نصیحت کنیم، موعظه کنیم و اگر نشد حذف کنیم.

### هم تراز با قرآن و اهل بیت علیهم السلام

مسئله اساسی این است که تراز ما با اهل بیت (علیهم السلام) و قرآن باید شکل بگیرد و آنجا باید تراز بشود؛ چیزی که خدا گفته و قرآن گفته است. هر جا گفت برو، برویم و هر جا گفت بایست، بایستیم. درصدش چقدر باشد؟ این بیست درصد، آن پنجاه درصد، آن صد درصد. البته «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ»<sup>۳۳</sup> در فرهنگ قرآن فتنه از قتل شدیدتر است. فتنه یعنی به هم ریختن اعتقادی افراد. آدمکشی چقدر بد است؟ فتنه کردن از این بدتر است. انحراف ایجاد کردن در فکر یک نفر از آدمکشی بدتر است. این مرام قرآن است. این حرف قرآن است. تراز ما باید با قرآن شکل بگیرد، اهل بیت (علیهم السلام) ترازشان این بود.

چه وقت اهل بیت (علیهم السلام) از مظلومیت درمی آیند؟ امام زمان (عج) الله تعالی فرجه الشریف) چه زمانی از غربت درمی آید؟ چه زمانی امام زمان (عج) الله تعالی فرجه الشریف) از غیبت

۳۰. خبرگزاری ایرنا، «مجازی‌ها و رسانه‌های بیگانه درباره سفر رضا پهلوی به اسرائیل چه گفتند؟»، تاریخ درج مطلب: ۱

اردیبهشت ۱۴۰۲، تاریخ بازدید: ۱۶ اسفند ۱۴۰۲. (<https://irna.ir/xjMfH9>)

۳۱. کلاه مخصوص یهودی

۳۲. معبد «یهوه» مسلماً باشکوهترین و باعظمت‌ترین بنای اورشلیم بوده است. هیرودیوس کبیر، تپه معبد را از سه سو با دیوارهای سنگی عظیم به ارتفاع ۱۵ متر محصور ساخته بود که از آن زمان (قرن اول بعد از میلاد) تاکنون، یهودیان هر روز جمعه در کنار دیوار گرد می‌آیند و برویرانی بیت المقدس شیون کرده اشک می‌ریزند، بدین لحاظ است که دیوار را، دیوار ندبه می‌گویند. (حمیدی، جعفر، تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)، ص ۳۸)

۳۳. سوره بقره، آیه ۱۹۱.



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

درمی‌آید؟ هم از غیبت و هم از غربت درمی‌آید؟ آن زمانی که قرآن تراز همه ما بشود. چرا فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) مظلوم شد؟ چون قرآن بین مردم تراز نبود. فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) بابت یک چیزی ناله می‌کرد، مردم می‌گفتند این دارد زیاده‌روی می‌کند و دارد افراط می‌کند. این شور کار را درآورده است. شب شهادت بی‌بی دو عالم است؛ اجازه بدهید این روایت را بخوانم و باصفا و محبتی که امشب در این مجلس حاکم بود، این ادب و احترامی که در این مجلس حاکم بود که همه‌اش هم از صدقه‌سر حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) است، با همین همدلی برویم پشت در خانه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا (علیهما‌السلام) که امشب شب آخر فاطمه (سلام‌الله‌علیها) در این خانه است.

گفتند بعد از پیغمبر (صلی‌الله‌علیه و آله)، فاطمه (سلام‌الله‌علیها) خیلی ناله زد. مفصل هم گفته‌اند. «مُنْهَدَةَ الرُّكْنِ مِنَ الْمُصِيبَةِ بِمَوْتِ النَّبِيِّ»<sup>۳۴</sup>؛ بعد از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله)، کمر فاطمه (سلام‌الله‌علیها) شکست. خیلی غم سنگینی بود. بقیه ظاهرین بودند و گفتند این هم یک آدم بود که از دنیا رفت. فاطمه می‌دانست که پیغمبر واسطه ارتباط با خداست؛ او حرف خدا را به ما می‌رساند که کجا چکار کنیم؟ قیمت پیغمبر و قیمت وحی این است. ارزش آن، این است و این از ما قطع شده است؛ بقیه این را نمی‌فهمیدند. مرحوم میرزا علی آقا شیرازی که از علمای اصفهان بود، شهید مطهری ایشان را در اصفهان دیده بود و فرمود: من او را که دیدم، عاشق نهج‌البلاغه شدم.<sup>۳۵</sup>

نقل است، این را بگویم، داستان شیرینی است و به بحث ما هم مرتبط است و با این بروم در روضه. گفتند یک روز ایشان بالای منبر بود. خیلی هم اهل نهج‌البلاغه بود و صبح تا شبش نهج‌البلاغه بود. حرف می‌زد از نهج‌البلاغه حرف می‌زد. گفت: «مردم دیشب خواب دیدم، خواب قیامت را دیدم.» و خودش شروع به گریه کرد و مردم هم همراه او گریه کردند. گفت: «مردم واویلائی بود در قیامت. دیدم حساب خیلی طولانی است و سخت» و همه گریه کردند. فرمود: «دیدیم یک عده را می‌بردند بهشت و یک عده را می‌بردند جهنم». باز مردم شدید گریه کردند. اینجا رسید و گفت: «دیدم من را بردند سمت بهشت.» هنوز خودش داشت گریه می‌کردند ولی مردم ساکت شدند. رفتی بهشت رسیدی و دیگر گریه ندارد! ایشان ناله‌اش رفت بالا؛ گفت: «هرچقدر صبر کردم من را پیش خود خدا ببرند، نبردند. من را توی

۳۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳۵. تصادف کوچکی مرا با فردی آشنا با نهج‌البلاغه آشنا کرد. او دست مرا گرفت و اندکی وارد دنیای نهج‌البلاغه کرد. آن وقت بود که عمیقاً احساس کردم این کتاب را نمی‌شناختم و بعدها مکرر آرزو کردم که ای کاش کسی پیدا شود و مرا با دنیای قرآن نیز آشنا سازد. از آن پس چهره نهج‌البلاغه در نظرم عوض شد، مورد علاقه ام قرار گرفت و محبوبم شد. (شهید مطهری، سیری در نهج‌البلاغه، ص ۱۰)



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

بهشت نگه داشتند.)<sup>۳۶</sup> اختلاف افق یعنی همین. مردم همه بهشت را می‌خواستند ولی ایشان بهشت را نمی‌خواست. این، سطحش بالاتر بود. اینجاست که اختلافات و فاصله‌ها شکل می‌گیرد.

فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) پیغمبر (صلی‌الله‌علیه و آله) را به‌عنوان رئیس نمی‌دید. بقیه، به شکل رئیس می‌دیدند و می‌گفتند حالا این رفت، یک نفر دیگر جای او می‌نشیند. پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) معنای زندگی بود برای فاطمه (سلام‌الله‌علیها). نور این عالم بود. حضرت زهرا با رفتن پیغمبر احساس کرد زندگی از معنا تهی شده است. عالم خاموش شده است.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: من پیغمبر (صلی‌الله‌علیه و آله) را در پیراهن خودش غسل دادم. «فَكَانَتْ فَاطِمَةُ تَقُولُ أَرِنِي الْقَمِيصَ» حضرت علی (علیه‌السلام) می‌گوید: فاطمه به من گفت آن پیراهنی که پیغمبر را درون آن غسل دادی، به من بده. علی می‌فرماید: پیراهنم را به او دادم، «فَإِذَا شَمَّتْهُ غُشِي عَلَيْهَا» دیدم همین که فاطمه پیراهن پیامبر را بو کرد غش کرد. «فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ غَيْبْتُهُ» وقتی این را دیدم، من هم بردم پیراهن را مخفی کردم که دیگر چشم فاطمه به آن نیفتد.<sup>۳۷</sup> دیدم طاقت ندارد پیراهن پیامبر را ببیند، نگاه به این در می‌کرد و صدا می‌زد بابا! بعد از نماز به ما سر می‌زدی. بعد از هر نماز منتظر در زدن تو بودیم، چی شده که دیگر نمی‌آیی؟ به بچه‌های خودش رو می‌کرد: «تَنْظُرُ مَرَّةً إِلَى الْحَسَنِ وَ مَرَّةً إِلَى الْحُسَيْنِ وَ هُمَا بَيْنَ يَدَيْهَا» حسن و حسین در برابر فاطمه بودند؛ نگاه به اینها می‌کرد، می‌فرمود: «أَيْنَ أَبُوكَ مَا؟» کجاست پدر شما؟ «الَّذِي كَانَ يَكْرُمُكُمْ مَا وَ يَحْمِلُكُمْ مَا» پدر مهربانی که به شما احترام می‌گذاشت، «يَكْرُمُكُمْ مَا وَ يَحْمِلُكُمْ مَا بَعْدَ مَرَّةٍ» و شما را روی کول خودش می‌گرفت. «أَيْنَ أَبُوكَ مَا الَّذِي كَانَ أَشَدَّ النَّاسِ شَفَقَةً عَلَيْكُمْ مَا؟» کو آن پدری که بیشتر از همه شما را دوست داشت؟ «فَلَا يَدْعُكُمْ مَا تَمْشِيَانِ عَلَى الْأَرْضِ» نمی‌گذاشت شما روی زمین راه بروید. شما را بغل خودش راه می‌برد. «فُقِدَ وَ اللَّهُ جَدُّكُمْ مَا وَ حَبِيبُ قَلْبِي» به خدا جد شما و محبوب دل من از دنیا رفت، «وَ لَا أَرَاهُ يَفْتَحُ هَذَا الْأَبَابَ أَبَدًا» من می‌دانم که تا ابد او دیگر این در را باز نمی‌کند که وارد این خانه بشود، «وَ لَا يَحْمِلُكُمْ مَا عَلَى عَاتِقِهِ» و دیگر شما را روی دوش نمی‌گیرد.<sup>۳۸</sup> این ناله فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) بود بعد از پیغمبر (صلی‌الله‌علیه و آله)، از شدت عشق به پیغمبر.

۳۶. آیت الله مظاهری، جلسه درس اخلاق

۳۷. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۱. (الفصل الخامس فی فضائل فاطمة الزهراء بنت رسول الله صلى الله عليه وآله)

۳۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۵۰.





سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

### روضه شب شهادت مادر سادات

چه کردند با این فاطمه؟ «حَتَّى تَأْذَى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ» دیگر از صدای گریه فاطمه مردم مدینه خسته شده‌اند؛ آمدند به فاطمه (سلام‌الله‌علیها) گفتند: «قَدْ آذَيْنَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكَ» خیلی گریه کردی و ما را خسته کردی؛ «فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى الْمَقَابِرِ مَقَابِرِ الشُّهَدَاءِ» فاطمه هم از شهر می‌رفت بیرون و کنار مزار شهدا می‌نشست، «فَتَبْكِي حَتَّى تَقْضِيَ حَاجَتَهَا ثُمَّ تَنْصَرِفُ» همه ناله‌هایش را آنجا می‌زد و بعد برمی‌گشت به خانه.<sup>۳۹</sup> این فاطمه بود و این ناله‌های فاطمه بود. می‌خواهم بگویم انگار در دل فاطمه این است که مردم مدینه فردا از صدای فاطمه خلاص می‌شوید و دیگر شب‌های خودتان را آرام می‌گذرانید و دیگر کسی نیست صدای ناله‌اش شما را اذیت کند.

بعضی از بزرگان می‌فرمودند کسی اگر برای مادر شما مجلس عزا بگیرد، شما چه حالی پیدا می‌کنید؟ مثلاً یکی به شما زنگ بزند و بگوید ما در آبادان برای مادر شما یا برای پدر شما مجلس ختم گرفته‌ایم، چه حالی پیدا می‌کنید؟ چقدر شاد می‌شوید؟ ایشان می‌فرمود امام‌زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) این‌گونه شاد می‌شود از این مجالسی که شما می‌گیرید. چون در مدینه کسی نبود برای فاطمه (سلام‌الله‌علیها) عزاداری کند. مجلس فاطمه (سلام‌الله‌علیها) سوت‌وکور بود. الان دل امام‌زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) شاد است که شما با معرفت بودید و یاد مادر ما کردید امشب. شب شهادتش وقت گذاشتید، گریه کردید. جانم به قربان مظلومیت این مادر.

طبق نقل ابن عباس<sup>۴۰</sup> امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) وقتی که آمد کنار فاطمه (سلام‌الله‌علیها)، دید پارچه را کشیده‌اند روی صورت فاطمه؛ «كَشَفَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ وَجْهِهَا» علی پارچه را از روی صورت فاطمه کنار زد. «فَإِذَا بَرُقَعَةٍ عِنْدَ رَأْسِهَا» دید کنار سر فاطمه یک کاغذ هست که وصیتنامه فاطمه است؛ کنار سر مبارکش گذاشته. «فَنَظَرَ فِيهَا فَإِذَا فِيهَا» نگاه کرد دید نوشته: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ» این وصیت فاطمه است. «أَوْصَتْ وَهِيَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» شهادت می‌دهم به وحدانیت خدا، «وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» و به رسالت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله)، «وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ» بهشت و جهنم حق است و قیامت حق است. «يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجَتِي اللَّهُ مِنْكَ» یا علی من همان فاطمه‌ای هستم که خدا من را به عقد تو درآورد، «لَأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» تا در دنیا و آخرت با تو باشم. «فَأَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِكَ» یک‌وقت غسل و کفن من را به

۳۹. وَ أَمَّا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى تَأْذَى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ وَقَالُوا لَهَا قَدْ آذَيْنَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكَ

فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى الْمَقَابِرِ مَقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَتَبْكِي حَتَّى تَقْضِيَ حَاجَتَهَا ثُمَّ تَنْصَرِفُ... (شیخ صدوق، امالی، ص ۱۴۰)

۴۰. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسين عليه السلام، ج ۱، ص ۱۳۱. (الفصل الخامس في فضائل فاطمة الزهراء

بنت رسول الله صلى الله عليه وآله)



سلسله جلسات برای امامت

فصل چهارم: سرمنزل جانان - جلسه سوم

کس دیگری واگذار نکنی. «فَحَنَّنِي وَكَفَّنِي وَغَسَّنِي بِاللَّيْلِ» شبانه من را حنوط کن و غسل بده و کفن کن، «وَ صَلِّ عَلَيَّ» خودت به من نماز بخوان «وَ اُدْفِنِي بِاللَّيْلِ» شبانه من را دفن کن، «وَ لَا تُعَلِّمُ أَحَدًا» و احدی از اینها را هم نگذار خبر بشوند. اینها گفته بودند که از صدای فاطمه خسته شده ایم، من هم آرام دفن می شوم که کسی اذیت نشود که صدای گریه بچه هایم هم اذیتشان نکند. فرمود: «وَ أَشْتَوِدُعَكَ اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَيَّ وَ لِدَى السَّلَامِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامِ» علی جان با تو خدا حافظی می کنم و به فرزندانم تا قیامت سلام می رسانم؛ یعنی به فرزندانم، به سادات، بگو مادرتان تا قیامت به یاد همه شماها بود. این مادری که تا قیامت به یاد همه سادات بوده، وقتی بچه اش برود در گودال قتلگاه چه خواهد کرد؟

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.  
وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ“